

لنین

چرا سوسیال دموکراتها بایست اعلام جنگی مصممانه و بیرحمانه بر علیه سوسیالیست-روولوسیونر ها بدهند

ژوئن-ژوئیه ۱۹۰۲

(۱) زیرا آن گرایش در فکر اجتماعی ما که به اسم «سوسیالیست-روولوسیونر» (۱) شناخته می‌شود در حال دور شدن از تنها تئوری بین‌المللی سوسیالیسم انقلابی موجود، یعنی مارکسیسم، میباشد، و برآستی از آن دور شده است. در انشعاب بزرگ سوسیال دموکراسی بین‌المللی به یک جناح اپورتونیستی (یا، «برنشتاینی») و یک جناح انقلابی، این گرایش موضعی کاملاً نامعین و بطور ناروایی مردد بین دو صندلی اتخاذ کرده. [[در حالی که]] صرفاً به انتقاد بورژوایی و اپورتونیستی از مارکسیسم اتکا کرده، اعلام «تزلزل» [[مارکسیسم را]] کرده (واستتیک بوسکوی روولوتسی، ش ۲ ص ۶۲) (۲) و به سهم خود قول داده که مارکسیسم را به روش خود از نو «اصلاح کند»، ولی هنوز کاری برای متحقق کردن این قول نامیمون به انجام نرسانده است.

(۲) زیرا گرایش سوسیالیست-روولوسیونر به شکل درمانده ای در مقابل روند حاکم [[طرز]] فکر اجتماعی و سیاسی روسیه که بایست آنرا لیبرال نارودنیزم خواند کرنش میکند. با تکرار اشتباه نارودنایا ولیا، و کلاً سوسیالیسم کهنه روسی، سوسیالیست روولوسیونرها نمیتوانند و رفتگی صرف و تضادهای داخلی این روند را ببینند؛ سهم مستقل خلاقه آن‌ها در تفکر انقلابی روسیه منحصر به ضمیمه کردن عبارات انقلابی به وصایای قدیمی حکمت لیبرال نارودنیکی میشود. مارکسیسم روسی اولین [[اجریانی]] بود که زیر آب مبنای تئوریک لیبرال نارودنیسم را زده، محتوای طبقاتی بورژوایی و خرده بورژوایی آنرا عریان ساخته، و بی‌واهمه از فرار گله ای از مارکسیستهای منتقد (= اپورتونیست) به کمپ دشمن، به جنگی بر علیه آن دامن زده و کماکان دامن میزند. ولی موضعی که سوسیالیست-روولوسیونرها در این جنگ حفظ کرده‌اند (در بهترین حالت) موضعی خصومت آمیز بیطرفانه است؛ اینجا نیز آن‌ها خود را میان دو صندلی نشانده اند، مابین مارکسیسم روسی (که از آن تنها چند تکه خرده ناچیز به عاریت گرفته اند) و لیبرال نارودنیسم شبه-سوسیالیست.

(۳) زیرا سوسیالیست-روولوسیونر ها بخاطر فقدان کامل اصول در مسایل سوسیالیسم روسی و [[سوسیالیسم]] بین‌المللی تنها اصل واقعاً انقلابی را، که [[همانا]] مبارزه طبقاتی باشد، نمیفهمند یا نمیتوانند تشخیص دهند. آن‌ها نمیفهمند که تنها حزبی که سوسیالیسم را با جنبش طبقه کارگر روسیه امتزاج میبخشد (۳) میتواند در روسیه امروز واقعاً انقلابی و حقیقتاً سوسیالیستی باشد، [[جنبش طبقه کارگر روسیه ای]] که با نیروی فزاینده و در مقیاس فزاینده بوسیله رشد سرمایه داری روسیه بوجود میاید. برخورد سوسیالیست-روولوسیونرها به جنبش طبقه کارگر روسیه همیشه از زاویه ناظران ناشی (۴) بوده، و بطور مثال، وقتی جنبش دچار مرض «اکونومیسم» شد ([[انهم]] در نتیجه رشد حیرت انگیزانه سریعش)، سوسیالیست-روولوسیونرها از یک طرف [[چهار چشمی]] به اشتباهات کسانی که بر روی وظیفه جدید و مشکل بیداری توده های کارگر کار میکردند زل زدند، و از طرف دیگر، وقتی مارکسیسم انقلابی مبارزه‌ای بر ضد این «اکونومیسم» براه انداخته و با موفقیت به پیش برد، [[سوسیال روولوسیونرها]] چوب لای چرخ [[مارکسیسم انقلابی]] گشت. برخوردی دودل به جنبش طبقه کارگر در واقع به دور افتادگی (۵) از آن میانجامد، و به خاطر این دور افتادگی حزب سوسیالیست-روولوسیونر هیچ پایه اجتماعی (۶) ندارد. آن [[حزب]] به هیچ طبقه اجتماعی تکیه ندارد، چرا که عبارت طبقه نمیتواند به گروه بی ثبات روشنفکرانی اطلاق شود که ابهام و فقدان اصول خود را به عنوان «وسعت نظر» وانمود میکنند.

(۴) زیرا با در پیش گرفتن رویه ای توهین آمیز در برخورد به ایدولوژی سوسیالیستی و خواست تکیه همزمان و به درجات مساوی بر روشنفکران (۷)، پرولتاریا، و دهقانان، حزب سوسیالیست-روولوسیونر بدینوسیله به ناچار (چه خود بخواهد و یا نخواهد) به بردگی پرولتاریای روس بدست بورژوا دموکراسی روس رهنمون میشود. برخوردی اهانت بار به تئوری، فرار و دودلی در مورد ایدولوژی سوسیالیستی به ناچار به آلت دست ایدولوژی بورژوایی بدل شدن میانجامد. روشنفکران روسی، و دهقانان روسی، به عنوان اقشار اجتماعی قابل قیاس با پرولتاریا، تنها به عنوان تکیه گاه اصلی جنبش بورژوا-دموکراتیک میتوانند نقش بازی کنند. این نه تنها ملاحظه ایست که لزوماً از تعالیم ما در کلیت خود ناشی می‌شود (که، بطور مثال، تولید کننده خرد را تا آنجایی انقلابی میدانند که از جامعه اقتصاد کالایی بطور روشن گسسته و خود را در موضع پرولتاریا قرار داده است) - نه، بلکه این همچنین واقعیت مطلق است که حضور خود را تابحال محسوس نموده. در لحظه انقلاب سیاسی و در روز پس از این انقلاب، این واقعیت به ناگزیر حضور خود را با نیروی بیشتری نمایان (۸) میکند. سوسیالیست-روولوسیونریسم یکی از مظاهر بی ثباتی ایدولوژیک خرده-بورژوایی و عامه پسند سازی خرده بورژوایی سوسیالیسم است، که سوسیال-دموکراسی بر علیه آن جنگ مصممی (۹) را بایست دامن زده و همیشه به پیش خواهد برد.

۵) زیرا ملزومات عملی برنامه‌ای را که سوسیالیست-روولوسیونرها نمیگویم طرح کرده اند، ولی اقل - در رئوس بیان کرده‌اند به طرز کاملاً روشنی زیان عظیمی را که در عمل از خصلت بی پرئرسیب (۱۰) این گرایش حاصل می‌شود نشان داده است. بطور مثال، برنامه ارضی حداقل آن‌ها چنان که در شماره ۸ **روولوتسیونیا روسیا** [۱] به اجمال آمده (شاید درست تر باشد بگوئیم: پراکنده [شده]) در میان فرضیات کهنه نارودنیسم ما؟) اولاً هم دهقانان را با [[دادن]] قول «حداقلی» - اجتماعی شدن (۱۱) زمین-و هم طبقه کارگر را با گذاشتن تأثیر کاملاً غلطی از ماهیت حقیقی جنبش دهقانی گمراه مینماید. چنان قول‌های پوچی بطور کلی تنها باعث تضعیف (۱۲) یک حزب انقلابی میشود، و بطور مشخص باعث تضعیف تعالیم سوسیالیسم علمی در مورد اجتماعی شدن تمام ابزار تولید به عنوان هدف نهایی ما میشود. دوماً، با آوردن حمایت و توسعه تعاونی‌ها در برنامه حداقل خود، کاملاً عرصه مبارزه انقلابی را ترک گفته و به اصطلاح سوسیالیسم خود را تا سطح پیش پا افتاده ترین رفرمیسم خرده-بورژوازی پایین می‌آورند (۱۳). سوماً با مخالفت با خواسته سوسیال-دمکراتها برای بر انداختن تمام قیود قرون وسطایی که مزرعه اشتراکی ده ما (۱۴) را محدود میکند، که موژیک را به قطعه زمینش بسته، آزادی حرکت را از او سلب کرده، و بناگزییر باعث تحقیر او به عنوان عضوی از دسته اجتماعیش (۱۵) می‌شود، سوسیالیست-روولوسیونرها نشان داده‌اند که حتا قادر به دفاع از خود در مقابل نظریات ارتجاعی نارودنیسم روسی نبوده اند.

۶) زیرا سوسیالیست-روولوسیونرها، با آوردن تروریسم در برنامه خود و دفاع از آن در شکل امروزی آن به عنوان ابزاری برای مبارزه سیاسی، به آن وسیله جدی ترین ضربه را به جنبش وارد آورده، [[و]] به تخریب پیوند های پایدار میان کار سوسیالیستی و توده طبقه انقلابی می‌پردازند. هیچ تضمین و عهد لفظی نمیتواند این واقعیت غیر قابل انکار را رد کند که [[:]] تروریسم امروز، چنان که توسط سوسیالیست-روولوسیونرها بدان عمل و از آن دفاع میشود، به هیچ طریقی با کار در میان توده‌ها، برای توده‌ها، یا در کنار توده‌ها ربطی ندارد؛ که سازمان دهی اعمال تروریستی توسط حزب توجه نیروهای سازماندهی قلیل [[و ناکافی]] ما را از وظیفه دشوار و به هیچ وجه تمام شده [[=تمام نشده]] سازمان دهی یک حزب انقلابی کارگران باز میدارد؛ که در عمل تروریسم سوسیالیست-روولوسیونرها چیزی بیش از یک **پیکار فردی** (۱۶) نیست، روشی که کاملاً بوسیله تجربه تاریخ محکوم شده است. حتا سوسیالیست های خارجی از دفاع پر سر و صدا از تروریسم که توسط سوسیالیست-روولوسیونرها می‌گیرند خجالت میکشند. در میان توده های کارگران روسیه این دفاع [[از تروریسم]] صرفاً اوهام مضر می‌پراکند، مثلاً این نظریه که تروریسم «مردم را، حتا علیرغم میلشان، مجبور به سیاسی فکر کردن میکند» (**روولوتسیونیا روسیا**، ش ۷، ص ۴) یا اینکه «موثر تر از ماه ها تبلیغ لفظی قادر به تغییر نظرات ... هزاران نفر در مورد انقلابیون و معنی [[!]] فعالیت آنهاست،» یا اینکه قادر است «نیروی جدیدی در متزلزل ها، آنهایی که از نتایج غم انگیز بسیاری تظاهرات ها دلسرد و سراسیمه شده‌اند» (**همانجا**) القاء کند، و غیره. این اوهام مضر تنها میتواند یأس زودرس به بار آورده و کار آماده سازی توده‌ها برای حمله به حکومت مطلقه را تضعیف کند.

لنین

نوشته: ژوئن - ژوئیه ۱۹۰۲

منتشره برای اولین بار در سال ۱۹۲۳

منبع: کلیات آثار لنین (به انگلیسی)، جلد ۶، صفحات ۱۷۲-۱۷۵، مسکو، ۱۹۶۴

تمام تأکید ها از متن اصلی است

مترجم: بهمن فیروز

بیست و شش مرداد ۱۳۹۰، ۱۷ اوت ۲۰۱۱

bahmane57@yahoo.com

http://www.facebook.com/note.php?saved&¬e_id=10150337939015479

متن استفاده شده برای ترجمه: ترجمه انگلیسی مقاله منتشر در تارنمای:

<http://www.marxists.org/archive/lenin/works/1902/jul/00.htm>

تکثیر و پخش این ترجمه به همین شکل و بدون جرح و تعدیل در آن با ذکر منبع آزاد است

توضیحات متن انگلیسی :

[۱] رولوتسیونایا روسیا (روسیه انقلابی) – یک روزنامه غیر قانونی سوسیالیست-رولوسیونرها. از آخر ۱۹۰۰ در روسیه توسط اتحاد سوسیالیست-رولوسیونرها منتشر شد (شماره یک، مورخ ۱۹۰۰، در واقع در ژانویه ۱۹۰۱ منتشر شد)؛ از ژانویه ۱۹۰۲ تا دسامبر ۱۹۰۵ در خارج (در ژنو) بعنوان ارگان رسمی حزب سوسیال-رولوسیونرها منتشر میشد.

مطالب میان دو قلاب [] و توضیحات زیر از مترجم فارسی است

- (۱) Socialist-Revolutionary سوسیالیست-انقلابیون یا اس-آرها
- (۲) Vestnik Busskoi Revolutsii
- (۳) fuses
- (۴) dilettante spectators
- (۵) aloofness
- (۶) social basis
- (۷) intelligentsia
- (۸) make itself felt
- (۹) determined war
- (۱۰) unprincipled
- (۱۱) socialisation
- (۱۲) compromise
- (۱۳) degrade
- (۱۴) our village commune
- (۱۵) his social-estate
- (۱۶) single combat